

۲۵ منفکونیست

حزب کمونیست کارگری - کمیته‌ست

۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۹

۲۳ آوریل ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی

منشور مطالبات کارگران و "انقلابیون چپ"

امروز از جانب بخش وسیعی از چپ بورژوازی ایران، همه چیز با محک و ترازوی "انقلاب" آنها ارزیابی میشود. خوب و بد، مثبت و منفی، کارگری و غیر کارگری، کمونیستی و ضد کمونیستی، انسانی و غیر انسانی، همگی بستگی به درجه نزدیکی به "انقلاب" سبز سنجیده میشود. ظاهراً یکی از مسائلی که مورد بی مهری جدی طرفداران "انقلاب سبز" قرار گرفته است، "منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران" است که به مناسبت سی و یکمین سالروز انقلاب ۵۷ به امضای سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه منتشر شده است. قبل از پرداختن به استدلال منتقدین، در مورد این منشور اظهار نظری را لازم میدانم.

خارج از هر نکته و ملاحظه ای که بتوان در مورد منشور بیان کرد، تلاش ۴ تشکیل امضا کننده منشور برای توافق و جمع کردن بخشی هر چند کوچک از کارگران زیر سقفی و در دفاع از بخشی از مطالبات طبقه کارگر ایران، قابل تقدیر است. به این دلیل که در شرایط پراکندگی و انشقاق صفوف طبقه کارگر کم یا بیش تعدادی را حول این تلاش صفحه ۲

محمد فتاحی

چپ ایران در قرقیزستان کجا ایستاد؟



به دنبال وقایع قرقیزستان سوال زیر را در چند سایت اینترنتی طرح کردم:

"در قرقیزستان در چند سال گذشته دو بار سرنگونی رخ داده است. بار اول توسط انقلاب مخملی جناح هوادار آمریکا جناح هوادار روس را سرنگون کرد. بار دوم هم که روزهای گذشته بود جناح هوادار روسیه در طبقه حاکمه قرقیزستان جناح هوادار آمریکا را توسط "قیام توده ها" سرنگون کرد. سوال من از تمام چپ ایران، از تمام سازمان ها و احزاب و گروه هایی که خود را چپ میدانند و این دوره همراه جناح سبز طبقه حاکمه در ایران راه رفتند این است که در دو سرنگونی چند سال گذشته قرقیزستان کجای سیاست این کشور قرار می گرفتند؟"

در پاسخ به این سوال عزیزانی نظرات شان را برای من میل کردند و بعضی ها هم به جای بحث سیاسی سراغ امر خود رفتند. دومی ها طبق همان مثل قدیمی جواب شان خموشی است. در پاسخ به سوال یا اظهار نظر طیف اول در طول نوشته به آنها خواهم پرداخت.

بورژوازی و احزاب سیاسی آن همیشه

کارگران جهان متحد شوید!

جنبش های خود را حرکتی در جهت منافع عموم معرفی میکنند. این طبقه به منافع خود آگاه تر از این است که ماهیت طبقاتی جنبش هایش را به جامعه بشناسند. به همین دلیل تحریکات آنها همیشه منافع کل! طبقات را نمایندگی میکند. منافع ملی آن خرافه ایست که اینها مداوماً به خورد جامعه میدهند. در سالهای گذشته کسی از آنها نشنیده جنبش های ناسیونالیستی در آذربایجان، کردستان، خوزستان و کل ایران را بورژوازی معرفی کنند. در همین سال ها چپ مورد بحث در ایران دقیقاً مانند ناسیونالیست های رنگارنگ عمل کرده و تمام آن تحریکات را به عنوان جنبش علی العموم مردم، توده ها، خلق ها و یا ملل ایران به جامعه معرفی کرده است. معرفی جنبش سبز به جامعه با عناوین جنبش سرنگونی یا صفحه ۳

خواص انکار جنبش سبز برای حزب کمونیست کارگری



اسد گلچینی

در حاشیه سیر انقلاب ایران و چشم انداز حمید تقوایی

ایران و چشم انداز آن" نشریه انترناسیونال شماره ۳۴۴ جریانی که واقعیت شناخته شده ای به قد و قامت جنبش سبز و رهبری آنرا بر تحولات سال ۸۸ انکار میکند یا باید از سرخوردگان همچنان امینوار و جدی این جریان باشد و یا از رقبای شکست خورده آن و یا شاید هر دو!

بسیاری که به این جنبش امید بسته بودند با چشم باز مشغول بررسی و ارزیابی همه مسائل هستند. جریانات و افراد جدی منتهاست به این مشغولند. حزب کمونیست

کارگری و حمید تقوایی با انکار جنبش سبز باز هم اتکیت های آماده "انقلاب انقلاب" را بر هر حرکتی آماده کرده اند و لازم نیست درسی از شرکت در جنبش سبز بگیرند. لابد همراه با یک گام به پس جنبش سبز در دوره گذشته باز هم خیز "انقلابی" بر میدارند و از آنجا که از نظر آنها جنبش سبزی موجودیت ندارد باز هم در رکاب این جنبش (بخوانید ادامه انقلاب جاری که اساساً حول و حوش انتخابات ها در جمهوری اسلامی و مناسبت های مذهبی و حکومتی خواهد بود) خواهند ماند.

بر خلاف نظر حمید تقوایی و حزب کمونیست کارگری، جنبش سبز پدیده ای قابل رویت بوده و هست و همه آن را برسمیت میشناسند. با وجود شکست و ناکامی های این جنبش در مقابل جناح رقیب در نظام جمهوری صفحه ۴

سعید آرمان

مدافعین خجول تحریم اقتصادی



هر بار که به بهانه ای دولتهای غربی مسئله تحریم اقتصادی ایران را طرح میکنند و قد در دهان جریان و نیروهای سیاسی مستاصل چپ بورژوازی با جریان راست ارتجاعی پرو غرب آب میشود. سعید صالحی نیا از مرکزیت حزب کمونیست کارگری ایران نمونه تیبیک این طرز تفکر میباشد، گوشه هایی از دیدگاهش که در سایت حزبشان منعکس شده است به وضوح از تحریم اقتصادی ایران بعنوان راهی در تسریع "انقلاب" دفاع میکند.

او میگوید: سیاست "جراحی اقتصادی رژیم" و اعلام سال "کار بیشتر و مصرف کمتر" از سوی خامنه ای و ایران است و باید حمایت شود و برخی بر بیشتر به سمت مردم تغییر خواهد کرد.

علیه منافع مردم ایران و باید بر علیه آن کمین شود. برخورد موضوعی به مسئله تحریم اقتصادی راهی منطقی و به نفع جنبش انقلابی ایران است. ضمن تاکید بر این امر که راه حل نهایی مردم ایران از سازماندهی انقلاب می گذرد اثرات احتمالی مثبت تحریم هدفمند اقتصادی را نباید جایگزین هیچ سیاست انقلابی داد."

اگر نمونه های ویران کننده تحریم اقتصادی بر زندگی و مبارزه طبقه کارگر نبود شاید مخالفین تحریم به باد انتقاد گرفته میشدند که انکار در مورد این نوع سیاست بزرگنمایی میکنند. اما حقیقت امر فراتر از این است. از تجربه تحریم عراق حدود یک دهه میگذرد. صفحه ۳

سمینار

جنبش کارگری و معضلات پیشا

روی آن

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

منشور مطالبات کارگران و ...

کارگری که درجه ای بهبود در زندگی خود را میخواد، و هر چه را با محک رساندن منفعت به صف میلیونی خود نگاه خواهد کرد، عادی ترین مسئله این است که نمیتوان با نمایندگان سرمایه، با دشمنان کارگر و انسانیت، با "انقلابیون" مدافع نماز جمعه و عاشورا بیبوندند.

در ضمن کجای دنیا و کدام عقل سلیم و انحلال طلبانه است. واگذار کردن میگوید کار تشکل توده ای مثل سندیکا، اتحادیه، تشکل زنان و..، سرنگونی تشکلهای توده ای و در مدح تحزب است؟ کدام عقل سلیم میگوید فعال کمونیستی قلم فرسایی کردن جز انحلال تشکل توده ای میتواند اعلام کند که خواهان سرنگونی است؟ کدام آدم فهیم خواهان سرنگونی است که در ایران و با حاکمیت نمیتواند بفهمد که در ایران و قرون وسطایی نتیجه دیگری نخواهد داد.

طرح خواست سرنگونی فوری بورژوازی همیشه برای تبدیل طبقه جمهوری اسلامی به معنی اعدام نیست؟ کارگر به سیاهی لشکر خود با نام اگر در جامعه ایران صد هزار نفر را به جرم مخالفت نکشته بودند، اگر به جرم نه تنها سرنگونی طلبی بلکه حتی به جرم انتقاد به مقامات حاکم هزاران نفر را در این جامعه به دار نزده بودند، شاید میشد در عقل سلیم مدافعان به ظاهر رادیکال تردید نکرد. فعال علنی بورژوازی ایران را به اسم منفعت که در آن جامعه زندگی میکند میتواند بگوید سرنگونی میخواد و در خیابان قدم بزند و صبح سرکار برود و عصر هم به منزل برگردد؟ پرت کردن حرفهایی به ظاهر رادیکال نه فقط نشانه پرتی این جریان است از فعالیت سیاسی علنی در شرایط خفقان است بلکه نشانه عمق عدم احساس مسئولیت

کارگری که درجه ای بهبود در زندگی خود را میخواد، و هر چه را با محک رساندن منفعت به صف میلیونی خود نگاه خواهد کرد، عادی ترین مسئله این است که نمیتوان با نمایندگان سرمایه، با دشمنان کارگر و انسانیت، با "انقلابیون" مدافع نماز جمعه و عاشورا بیبوندند. در روز قس، با رهبران جنبشی که هزار بار اعلام کرده اند خواهان "جمهوری اسلامی نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر" اند، در یک صف ایستاد. چرا مخالفت با انقلابی که خاتمی، رفسنجانی، موسوی و هزار و یک مهره و بنیانگذار جمهوری اسلامی در راس آنند، مخالفت با انقلابی که طبق گفته حمید تقوایی رهبر بخش "کمونیستی" جنبش سبز، روز عاشورا لحظه مهم و تعیین کننده آن بود، یعنی دفاع از جمهوری اسلامی؟ رفتن به صف سبز به نام انقلاب انسانی، انقلاب جاری، انقلاب هرچه اسمش را بگذارید، برای کارگری که منفعت خود را میداند، و سه دهه است علیه رهبران این "انقلاب"، علیه نمایندگان سرمایه برای دستمزدهای موعده، برای ممانعت از اخراج، برای آزادی و رفاه مبارزه میکند، از بلاهت هم فراتر است. آقایان این انقلاب شما است! تا کتون و در طول تاریخ هیچ انقلابی نه تنها کارگری، حتی انقلابات نیمه سکولار و بورژوازی هم اتفاق نیفتاده است که بند ناف آن و مقاطع تعیین کننده آن سینه زنی عاشورای امام حسین و روزه خوانی رفسنجانی در نماز جمعه و روز قس باشد. این انقلاب شما است! این انقلاب حامیان خط خمینی، انقلاب چپ مسلمان شده، مسلمان "مدرن" شده نوع غربی، بورژوازی ناسیونالیست پرو غرب ایران است. این انقلاب حزب اکثریت و توده ای است که در روزهای پریهوی انقلابشان، با شعار کمونیسم پر، در تظاهراتهای سبز در لندن شرکت داشتند. این "انقلاب" بر شما ارزانی باد. طبقه کارگر حق دارد که رسماً اعلام کند با انقلاب شما و موسوی و خمینی نیست.

منشور مطالبات کارگران و ... تا جایی که به مضمون منشور برگردد، به روشنی جهت آن ضد سرمایه داری و در دفاع از زندگی انسانی برای طبقه کارگر است. به لیست مطالبات مندرج در منشور میتوان اضافه کرد اما این تعیین کننده نیست. مطالباتی که در این منشور آمده است با هر جر و تعدیلی بخشی از خواستها و مطالبات طبقه کارگر ایران است که در مناسبتهای مختلف از جمله در قطعنامه های اول مه ها اعلام شده است. در این منشور مستقل از جناح بندیهای موجود، مستقل از جناح سبز و سیاه جمهوری اسلامی، جمعی از کارگران حول بخشی از مطالبات خود متحد شده اند و نه به سبز و نه به جناح حاکم سمپاتی نشان نداده اند و امید نبسته اند. همین باعث شده است که چپ بورژوازی به جست و خیز بیاقتد و اندر فواید "انقلاب" جاری و اهمیت دفاع از آن، صاحبان منشور را سرزنش کند.

قصد من پرداختن به آنچه میشد کرد یا نکرد از جانب صاحبان منشور و وارد شدن به مباحثات مختلف از جانب افراد و تشکلهای و جریانهای مختلف نیست. حتی قصد وارد شدن به نظرات رضا رخشان که به دلیل دفاع از این منشور و بیان بیبریطی جنبش سبز به طبقه کارگر مورد نقد مدافعان این جنبش قرار گرفته است، نیست. اینجا تنها به چند حکم که از جانب منتقدین منشور که اساساً مدافعان "انقلاب" سبزاند خواهم پرداخت.

یکی از محورهای اصلی نقد افراد و جریانهای که به اسم چپ و کمونیسم و ظاهراً از موضعی رادیکال به صاحبان منشور عدم دفاع آنها از "انقلاب سبز" است، منتقدین میگویند دفاع از کارگر و تلاش برای ایجاد بهبود در زندگی طبقه کارگر، تلاش برای آزادی و نیای بهتر بدون دفاع از این "انقلاب" ممکن نیست. میگویند اعلام اینکه کارگران به این "انقلاب" ربطی ندارد، مقابله و مخالفت با "انقلاب" و انقلابیگری و دفاع از حاکمیت است. بعضی از منتقدین تا آنجا پیش رفته اند که مخالفت با "انقلاب سبز" را دفاع از احمدی نژاد برای مقابله با انقلاب قلمداد میکنند. این ادعای به ظاهر انقلابی و در واقع عمیقاً ارتجاعی از فعالین جنبشی که تلاش دارند کارگر را برای نماز جمعه رفسنجانی و روز قس و عاشورا بسیج کنند، برای چپی که به صف انقلابیون اسلامی پرو غرب پیوسته است، برای فعالین جنبشی که تلاش دارند جنبش و انقلاب سبز را به نام منفعت کارگر به خورد این طبقه بدهند، قابل درک است. اما از زاویه

سمینار

جنبش کارگری و معضلات پیشاروی آن

سال گذشته طبقه کارگر ایران یکی از سباهترین دوران خود را گذارند. زندان و شکنجه و دستگیری فعالین کارگری، اخراج و بیکار سازی، عدم پرداخت مزد روزانه کارگران، گرانی و تورم، نداشتن حق تشکل و تجمع، همراه با پراکندگی و انشقاق درونی، طبقه کارگر ایران را در شرایط غیر قابل تحملی قرار داده است.

اول مه فرصتی است تا به بررسی مسائل و معضلات جنبش کارگری در ایران و موانع پیشروی آن در شکل دادن به صف مستقل طبقه کارگری در جداول طبقاتی اش با بورژوازی پرداخت.

سخنرانان:

عباس فرد

اسد گلچینی

ابوب رحمانی

ساعت ۶ بعد از ظهر تا ۹

جمعه ۷ مه

لندن: دانشگاه لندن ULU

University of London Union, Malet Street, WC1E 7HY

کمیته انگلیس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

چپ ایران در قریزستان ...

باره را از سر ناآگاهی اینها به شرایط میگرد اشتباه محض مرتکب میشود. کسی که "درک غلط" این چپ از اوضاع را نشان ما میدهد از بیخ نسبت به این چپ متوهم است. و آنها که گمراهی و انحراف تئوریک این چپ را دلیل می آورند خود باید از گمراهی به در آیند. این چپ همانطوریکه معرفی ارتجاع ماه های گذشته در ایران را به قیمت انقلاب و جنبش سرنگونی و اعتراض رادیکال و بر حق مردم به طبقه کارگر می فروخت، سرنگونی در قریزستان را هم به قیمت جنبش سرنگونی و انقلاب آنها به طبقه کارگر و مردم ستمدیده می فروشد. این چپ میداند که همه جنبش های سیاسی در دنیا از اعتراض مردم نیرو میگیرند. میداند بدون وجود اعتراض طبقه و بحران امروز وضع اقتصادی سختی دارند. انگار کارگران و مردم کم درآمد در کل ننیای امروز خیلی شاد و شنگول اند. میگویند اعتراض توده ها به این شرایط فلاکت بار است. و انگار اعتراض بقیه در دنیا به پدیده متفاوتی از شرایط اقتصادی امروز است. میگویند مردم با نیروهای سرکوبگر درگیر و دولت را سرنگون کرده اند. اینها عمدا وجود آلترناتیو آماده ای که پنج سال قبل سرنگون شده بود را انکار میکنند تا در یک تفسیر حماسی از حمله ناگهانی توده های ظاهرا بی شکل و بی رهبر قهرمانی های میدان یک جنگ جهانی بخش بسازند. حتی آنها که تاریخ دست به دست شدن قدرت در جمهوری های سابق شوری را مثل کف دست می شناسند عمدا به دلیل منافع سیاسی شان خود را به نفهمی زده و ماهیت جنبش بورژوایی در قریزستان و دست به دست شدن قدرت بین دو جناح طبقه حاکمه را مسکوت میگذارند تا به ادعای بی پایه شان در مورد بی رهبر و خوبخودی بودن "جنبش یا انقلاب جاری" در ایران معنی ماورای طبقاتی دهند. و ظاهرا طبق آرزوی این چپ ابر و مه و خورشید و فلک همه در کل شدند تا در یک لحظه طلایی ارتش قریزستان را بیطرف، تمام نیروهای سرکوب را ناتوان و "مردم قیام کننده" را پیروز و جامعه را آرام کنند. در چنین هوای آفتابی که بیشتر "انقلاب" رومانی علیه چاوشسکو را به خاطر می آورد، ناگهان توده های به جان آمده از شرایط بد زندگی به خیابان ریختند و در یک چشم به هم زنی رئیس جمهور مملکت را فراری داده و دولت موقت را تار رسیدن به مقطع انتخابات سازمان دادند. این چپ میداند که هیچ مردمی در هیچ نقطه دنیا بدون یک آلترناتیو سیاسی مقبول دست به قیام نمی زنند. و هیچ جنبش سیاسی بدون رهبر و خوبخودی قدرت حاکم را سرنگون نمی کند. اینها واقفند که تاریخ هیچ کجای دنیا چنین پدیده ای را به خود ندیده است.

نتیجتا کسی که انشاهای این چپ در این

تأثیرات عمیق و کشنده سیاست به غایت ارتجاعی و غیر انسانی تحريم اقتصادی بر طبقه کارگر و اکثریت مردمی که به زور قادر به سیر کردن شکم خود و فرزندانشان هستند بر هیچ وجدان آگاه و شرافتمندی و هیچ جریان مسئول در قبال جان و امنیت و زندگی مردم پوشیده نیست. تنها یک ذهن معیوب و بیربط به زندگی واقعی مردم و آلامشان قادر به آوردن چنین استدلالات بی اساسی میباشد.

باید از این "سیاستمدار با درایت و فهم و چپ" سوال کرد "اثرات احتمالی مثبت تحريم هدفمند" کدام است؟ منظورشان این است که طبقه کارگر تحت فشار فقر و گرسنگی سرپرست دست به مبارزه میزند؟ آیا این همان تز ارتجاعی فقر انقلاب می آورد، نیست؟ آیا نویسنده این مقاله و حزبشان متوجه نیستند که تحريم اقتصادی علاوه بر فشار اقتصادی بر زندگی طبقه کارگر و مردم محروم این جامعه امکانی به جمهوری اسلامی میدهد تا فضای جامعه را مختق تر و نظامی تر کند؟ آیا میدانند که بهانه تحريم ابزار مقابله جمهوری اسلامی با هر اعتراضی به بهانه تحريم خواهد بود؟ آیا ایشان متوجه نیستند که طبقه کارگر فقر زده اتفاقا راحت تر به سکوت و استیصال و ناامیدی کشیده میشود؟

اما ظاهرا برای این جریانات آنچه مهم است به ثمر رساندن "انقلاب" سبز به هر قیمتی حتی به قهقرا کشاندن جامعه و قربانی گرفتن از مردم ایران است. همین استدلال را زمانیکه خطر حمله آمریکا به ایران بود از جریانات راست و ارتجاعی پرو غرب، از جریانات قزم پرست و فاشیستی میشنیدیم که حمله آمریکا و بی خانمان شدن مردم باعث عصیان آنها و حمایتشان از این جریانات خواهد شد. با این توجیه همه آنها در جبهه آمریکا به انتظار نشسته بودند تا شاید در نتیجه حمله نظامی به ایران آنها نیز به کاری گمارده شوند. اکنون نوعی دیگر از سلاح کشتار جمعی قرار است "انقلاب" اینها را به ثمر برساند و آن تحريم اقتصادی است.

تنها یک جریان بی ربط به زندگی مردم میتواند از اثرات مثبت تحريم اقتصادی حمایت و خوشحال شود. اینرا هر فرد یا جریانی با درجه ای از احساس مسئولیت میدانند که دود تحريم اقتصادی ایران در درجه اول به چشم طبقه کارگر و مردم ایران میروند.

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری در ادامه اشاره به "اعلام سال" "کار بیشتر و مصرف کمتر" از سوی خامنه ای و احمدی نژاد، کاهش سوبسیدهای دولتی و ...، افزایش قیمت بنزین و نفت و مسکن و سایر مباحثات زندگی ...، بسته شدن بیشتر مراکز تولیدی را باید در افزایش سیاست

تحريم اقتصادی رژیم اسلامی ضرب کرد و نتیجه این خواهد بود که بیانسین شورشهای طبقاتی و اجتماعی طبقات محروم جامعه افزایش می یابد. "

جدا از خامی استدلال این عضو کمیته مرکزی در توضیح اینکه فقر و محرومیت و محنت مردم انقلاب میآورد، آیا کارگر و انسان دردمند این جامعه به این آرزوی ارتجاعی کمونیسم بورژوایی نباید تف کند. اینان چه انقلابیونی هستند که به امید افزایش محنت و درد بیشتر برای مردم نشسته اند تا در نتیجه آن انقلاب شان گل دهد؟ این چه سیاستی است که موفقیت آن در گرو افزایش محرومیت و فقر و فلاکت بیشتر طبقه کارگر است. آیا این چه "حکومت انسانی" است که پیروزی آن از راه فشار بیشتر به مردم محروم و تحريم اقتصادی آنها تامین میشود. آیا همه اینها کافی نیست تا برای همیشه عطای این چپ را به لقایش بخشید؟

توجه کنید در دنبائی که روزانه طبقه کارگر در کشورهای مختلف برای درجه ای از بهبود در زندگی خود دست به اعتصاب میزند، برای حقوق معوقه، افزایش چند درصد دستمزد و سایر امکانات و ... به زندان میروند، شکنجه میشود و باز به مبارزه برای این رفاهیات ابتدائی ادامه میدهد. در این دنیا یک حزب پیدا شده است که راه "انقلاب" اش از مجرای فشار بیشتر به این طبقه، فقر بیشتر برای این طبقه و حتی تحريم اقتصادی یک مملکت هفتاد میلیونی میگذرد. آیا حق نیست کارگر و زن و جوان و انسان فهیم در این مملکت اینگونه احزاب و مدافعین دروغین خود را در صف همان تحريم کنندگان و همان عاملین فقر و سیه روزی خود بگذارد؟

اما لاید "انقلاب" سبز و امید به بردن سهمی در فردای آن، چنان فدائیان خود را کور و کر کرده است، که حتی معنی احکام ارتجاعی خود را در ننیای واقعی درک نمیکنند. تلاش برای به پیروزی رساندن جناح سبز باعث شده است تا جناح چپ این جنبش عنان سیکسته از هر نوع تعهد سیاسی و انسانی و اخلاقی عقیم بماند.

تردیدی در این نیست که طبقه کارگر آگاه و اکثریت مردم جامعه ایران و بشریت مرفقی در اقصی نقاط جهان علیه زورگویی و تحريم اقتصادی به عنوان سلاح کشتار جمعی مردم و به عنوان ابزاری در خدمت جمهوری اسلامی خواهند ایستاد. همزمان و همراه در این پروسه دوستان دروغین مردم را خواهند شناخت. مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی از دیدگاه طبقه کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود منوط به گرو گرفتن نان و داروی مردم نیست.

خواص انکار جنبش سبز ...

اسلامی، خود را برای دور دیگری از کشمکش ها آماده میکند. دوره قبل از خرداد ۸۸ هم همین کار را کردند. اینها در سلیه سرکوب گسترده کارگران، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و زنان و مردم مبارز، در حال آماده کردن خود برای رقابت با خامنه ای و احمدی نژاد شدند. سرکوب غیر خودی ها برای این جریانها همیشه برکت بوده است. سردمداران جنبش سبز در همه سطوح حکومتی و در میان اقلیت مختلف مردم، تشکیلات، حزب، شخصیت و روزنامه داشته است. جنبش سبز را همین ها راه انداختند و در کار علنی و قتلونی هم مهارت خود را دارند. گویا در این جنبش هر فردی خود رهبر شد! پوپولیستها هم با انقلاب نامیدن این جریان، با جنبش سرنگونی نامیدن آن، با "کوتای انتخاباتی" و با "جنبش مردمی" و "جنبش جاری" نامیدن آن به کمک این جنبش و "حلال" شدنش مشغول شدند. اینگونه تبلیغ کردند که این جنبش "سرنگونی" و جنبش "انقلابی" توده هاست که موسوی و کروبی را رهبری میکند!! انکار جنبش سبز از طرف حزب کمونیست کارگری در حالی است که جامعه و تمام جریانها راست و چپ خارج از دوری و نزدیکی و یا مخالفت و موافقت، آن را برسمیت شناختند. جنبش سبز بار دیگر کل اپوزیسیون را بهم ریخت، از سازمان اکثریت تا احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد و از حزب توده تا سازگارا و نوری زاده و بلند گوهیاشان و تا خفقالی که برای کمونیستها در خارج کشور میخواستند برقرار کنند همه و همه نشان از این جنبش و چفت شدن مطالبات اقلیت طبقه متوسط و بورژوا و همراهی توأم با توهم توده های مردم بود. اینها نبضشان با نبض این جنبش و دقایقش میزد. همه تشکلهای و جریانات کارگری و مهربان آگاه کارگران و محافشان، و زنان مبارز و کمونیست حال هر کدام از زاویه منفعت سیاسی و مادی خود این جنبش را دیدند و در مورد آن موضع خود را روشن کردند. انکار موجودیت جنبش سبز و اهداف و تسلط تشکیلات و سازماندهی از "انتخابات" خرداد ۸۸ به این طرف، از سوی حزب کمونیست کارگری نشان میدهد که دوران پوپولیسمی که همین جنبش را میخواست بعنوان انقلاب آنهم از جانب حزبی با ادعای کمونیست بودن به خورد مردم بدهد تمام شده است. پوپولیسم این قبیل افراد و جریانات به بن بست رسیده است. جنبش سبز موجود است و اتفاقا انکار آن به همان اندازه شرکت و فراخواندن کارگران و مردم مبارز به تقویت آن سم است. کمونیستها باید با همه توان خود را برای رودررویی با آن بعنوان بخشی از حکومت اسلامی و دستگاه سرمایه

داران آماده تر کنند.

آنچه شکست خورد و باید کنار گذاشته شود تصورات و عملکرد "انقلابیون" ملیتات خرده بورژوا و پوپولیست است که فکر میکنند جنبش سبز یا جنبشهای بورژوایی به آنها خیانت کرده است. جنبشهایی که بر هر چه ملیتالسی و توده های میلیونی در عاشورا و نماز جمعه و رهبری موسوی و کروبی و تشکیلات عریض و طوییشان مسلط بود. این بن بست این قبیل جریانهاست که انقلابشان را در این "جنبش سرنگونی" و در این "انقلاب" بافتند. انقلابیون کمونیست و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در ایران هر چند محدود و پراکنده اما خوشختانه آگاهتر از آن است که از این قبیل جنبشها و انقلابات ضد کارگری دنباله روی کند.

حمید تقوایی ادامه میدهد:

"اینان بر خلاف ادعایشان، و علیرغم تمام تلاشی که رسانه های غربی برای لایسه کردن آنها به کار بردند، نه رهبر اعتراضات مردم بودند و نه هیچ ربطی به این جنبش داشتند." همانجا

باید آدم بسیار شعده باز باشد و بتواند دیگران و اطرافیشان را با تحلیل های پوپولیستی آنچنان مسلح کرده باشد که نتوانند بفهمند که دستبند های سبز و رفتن به عاشورا و الله و اکبر گویی در دانشگاه ها و در تظاهرات ها علائم کدام جنبش بود و حتی ملیتالسی آن و مرگ بر خامنه ای گفتن آن هم زیر کدام هژمونی قرار داشت و به جیب کدام جنبش رفت. شما در این موارد چیزی یادتان نیست؟ تجربه شرکت در انقلابیون نمونه ای از تجمعی صد نفره بیاورد که مستقل از هژمونی جنبش سبز راه انداخته باشند. حمید تقوایی برای نشان دادن انقلابی سوار بر اسب ابوالفضل باید سراغ مناسبتهای ارتجاعی مانند نماز جمعه و روز عاشورا برود. انقلاب مورد نظر شما کجا بود و چه مشخصاتی داشت؟

سوال این است که اگر حرف امروز شما دال بر اینکه (رهبران جنبش سبز) "نه رهبر اعتراضات مردم بودند و نه هیچ ربطی به این جنبش داشتند" را مبنی قرار بدهیم و با حرفهای اوایل "انقلاب خرداد" مقایسه کنیم نتیجه ای که بدست میاید چیزی جز شکست تئوری و عملکرد های پوپولیستی این حزب و رهبری آن نیست. یادتان هست در دوران "انقلاب خرداد" اعلام کردید که با این رهبران که امروز نه رهبرند و نه جنبش سبز آنها را برسمیت میشناسید، وارد مسابقه نمیشود؟ یادتان هست اعلام کردید با موسوی کشتی نمیگیرید؟ یادتان هست این رهبران به دلیل موقعیتی که در انقلاب شما داشتند به مقام اپوزیسیونی رژیم رانده شدند و بهمین دلیل بود که از کشتی گرفتن با آنها خود را و مردم و هواداران را

منع کردید؟ آیا دلیل خاصی وجود نداشت که شما در بحبوحه انقلاب خرداد چنین استراتژی و سیاستی تعیین کنید؟ واقعیت این است که آن زمان بر خلاف حرف امروزتان موسوی را بعنوان اپوزیسیون رژیم خطاب قرار دادید. تحت عنوان یک حزب "کمونیستی" این سیاست را تعیین کردید و تحت نام یک حز "کمونیستی" برانث از مشرکین و انقلاب به مردم و کارگران و رفقایان در مورد سرمایه داران سبز و جنبشی که براه افتاد دروغ گفتید. خاک بر چشم آنها پاشانید تا این واقعیت را نبینند و آنگاه کمونیستها را که این واقعیت را به هم طبقه هایشان میگفتند جغد انقلاب نام نهادید. با کدام واقعیت و حقیقت و شفافیت با حزبتان و مردم رهبری میشوید؟ راهی برای شما غیر از این نیست که بگویید: " جنبش جاری گرچه با دستاویز و مستمسک انتخابات دعواهای درون جناحی شروع شد اما از همان آغاز از نظر مضمون و اهداف خود انقلابی علیه کل نظام موجود و برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود." همانجا

باید گفت چیزی که به پیلان رسیده است فرصت طلبی شما، انقلابی گری خلقی شما و پایان دوران آویزان شدن پوپولیست ها به کمونیسم و طبقه کارگر است. برای جنبش ما این هم بخشی از خود آگاهی کمونیسم کارگری ایران در این دوره باید باشد. حزب کمونیست کارگری جنبش سبز را نمی بیند چون خود را در اهداف این جنبش با سبز ها رقیب میداند. رقیبی که هر کدام مسله ای جز پیروزی جناحی از سرمای داری طرفدار غرب و برخی از ارزشهای لیبرالی آن هدفشان است. این جنبش برای این حزب انقلاب خرداد بود و برای فرار از شکست سیاست و استراتژی که این حزب در این انقلاب داشت راهی بجز این نمی ماند که انقلاب و یادداشت های انقلاب ادامه داشته باشد حال سبز ادامه پیدا کند یا صورتی و پسته ای فرقی ندارد، آنچه مهم است ادامه "انقلاب" است! دوران ایجاد اختناش و استفاده با میرسد اما آنچه که برای کمونیستها و درست تر گفته شود، سواستفاده از دوستی و رفاقت و هم حزبی بودن با منصور حکمت برای هم نوره های چنین انقلابی است این شرط لازم منصور حکمت گذشته است. جریانات برای نخالت آگاهانه در هر تحولی مختلف مدعی خط کمونیسم کارگری تا است.

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمیت

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را نکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

